

## **Investigating the reasons for the failure of American foreign policy strategies To contain Iran in Syria**

Sajjad Salamat <sup>1</sup>

Aliraze Radfar <sup>2</sup>

Masoumeh Reshad <sup>3</sup>

### **Abstract**

The Syrian crisis is considered to be the confrontation between the power of the US and Iran, and the US has tried to overthrow the Syrian government by weakening Iran. However, in the end, Bashar al-Assad not only did not fall, but the level of Iranian influence also increased. Now, in this research, the main question is what are the reasons for the failure of American foreign policy strategies to contain Iran in Syria? The findings show that the failure of the American strategies to contain Iran in Syria is due to four main factors. First, the pattern of interactions in which various actors, including Iran, the United States, and other regional countries, have intricately cooperated or competed with each other. Second, the failure to manage the expulsion of Iran from Syria, which shows the failure of the United States to achieve its goals in this country, especially in reducing Iran's influence. Thirdly, the influence of the subordinate system through which the changes in one point of the regional system by imposing sanctions against Iran could not lead to the developments in Syria. And fourthly, the role of the great power of Russia, which, with its presence and activities in the region, has helped stabilize the Assad regime and increase Iran's influence. Together, these factors indicate the importance and complexity of regional issues in the success or failure of American foreign policy strategies in containing Iran in Syria. The article was compiled using descriptive-analytical methods and library documents.

---

<sup>1</sup>Assistant Professor, University and Higher Research Institute of National Defense and Strategic Research, Tehran, Iran. **Golestan\_Food@yahoo.com**

<sup>2</sup> PhD student of international relations, Islamic Azad University, Central Tehran, Tehran, Iran **Amiranprint6371@gmail.com**

<sup>3</sup> Associate Professor, Department of Social Sciences, Roudehen University, Tehran, Iran. , **Masi.reshad@yahoo.com**

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۸/۰۲ | تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۱۱/۱۵

Knowledge of political interpretation

دانش تفسیر سیاسی

Vol 5, No 18, Winter 2023

سال پنجم، شماره ۱۸، زمستان ۱۴۰۲

ppt 111 -133

صفحات ۱۱۱-۱۳۳

## بررسی دلایل ناکامی راهبردهای سیاست خارجی آمریکا برای مهار ایران در سوریه

سجاد سلامت<sup>۱</sup>

علیرضا رادفر<sup>۲</sup>

معصومه رشاد<sup>۳</sup>

### چکیده

بحران سوریه عرصه تقابل قدرت آمریکا با ایران تلقی می شود که آمریکا تلاش داشته است تا با تضعیف ایران دولت سوریه را ساقط کند. با این حال در نهایت بشار اسد نه تنها سقوط نکرد بلکه میزان نفوذ ایران نیز افزایش یافت حال در این پژوهش سوال اصلی این است که دلایل ناکامی راهبردهای سیاست خارجی آمریکا برای مهار ایران در سوریه چیست؟ یافته‌ها نشان می‌دهند که شکست راهبردهای آمریکا در مهار ایران در سوریه به چهار عامل اصلی برمی‌گردد. اولاً، الگوی تعاملاتی که در آن بازیگران مختلف، از جمله

---

<sup>۱</sup> دانشجوی علوم سیاسی دانشگاه آزاد اسلامی، واحد تهران رودهن، تهران (نویسنده مسئول)

Golestan\_Food@yahoo.com

<sup>۲</sup> دانشجوی دکتری روابط بین الملل دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران

<sup>۳</sup> استادیار گروه روابط بین الملل دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه آزاد اسلامی، رودهن، ایران

ایران، آمریکا، و سایر کشورهای منطقه‌ای، به طور پیچیده‌ای با یکدیگر همکاری یا رقابت داشته‌اند. دواماً، شکست در مدیریت اخراج ایران از سوریه که نشان از ناکامی آمریکا در تحقق اهدافش در این کشور به ویژه در کاهش نفوذ ایران دارد. سوماً، تأثیر نظام تابع که از طریق آن تغییرات در یک نقطه از نظام منطقه‌ای با اعمال تحریم‌ها علیه ایران نتوانست منجر به تحولات سوریه شود. و چهارماً، نقش قدرت بزرگ روسیه که با حضور و فعالیت‌هایش در منطقه، به تثبیت حکومت اسد و افزایش نفوذ ایران کمک کرده است. این عوامل همراه با یکدیگر، نشان‌دهنده اهمیت و پیچیدگی مسائل منطقه‌ای در موفقیت یا شکست راهبردهای سیاست خارجی آمریکا در مهار ایران در سوریه می‌باشند. مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است.

**واژگان کلیدی: سوریه، بحران، غرب آسیا، آمریکا، نظم منطقه ای**

## مقدمه

بحران سوریه که از سال ۲۰۱۱ آغاز شد، به سرعت از یک بحران داخلی به یک بحران بین‌المللی و چند جانبه تبدیل شد. در این بحران بازیگران مختلف منطقه‌ای و بین‌المللی به دنبال تضعیف یا تقویت بشار اسد بودند. در این میان، ایران به عنوان یکی از حامیان اصلی دولت بشار اسد، نقش کلیدی در حفظ استقرار دولت وی و تقویت نفوذ خود در منطقه ایفا کرده است. آمریکا ب عنوان مخالف رژیم اسد هدف خود را بر مهار توسعه نفوذ ایران در خاورمیانه نیز تنظیم کرده بود و معتقد بود با سقوط بشار اسد ایران نیز تضعیف خواهد شد. با این حال این کشور با چالش‌هایی جدی در تحقق این مقصود در سوریه روبرو شد و در نهایت نتوانست موفق به ساقط کردن بشار اسد و مهار ایران شود. به عبارت دقیق‌تر با وجود تلاش‌های آمریکا برای مهار نفوذ ایران در سوریه و تضعیف دولت اسد، نتایج به دور از انتظار آمریکا بوده است. عملاً آنچه رخ داد این بود که به جای سقوط دولت اسد، بشار اسد به قدرت خود بازگشته و پایه‌های آن به سمت فروپاشی نرفت. علاوه بر این، نفوذ ایران در سوریه به نظر می‌رسد که بیشتر از پیش تقویت شده و نقش آن در امور داخلی و خارجی این کشور به طور قابل توجهی افزایش یافته است. تصویری که مقامات کاخ سفید داشتند این بود که با اخراج، تضعیف یا تحریم‌ها و فشار می‌توان ایران را تضعیف و نفوذ آن را بر حمایت از اسد کاست اما چنین اتفاقی رخ نداد؛ حال با این توضیحات هدف این مقاله پرداختن به ناکامی آمریکا به‌رغم تلاش‌های متعدد و استراتژی‌های متفاوت، واشنگتن در دستیابی به اهداف خود در سوریه است. این ناکامی به‌خصوص در پرتو حمایت‌های قاطع ایران از دولت اسد و حفظ موقعیت وی در قدرت نمود پیدا کرده است بنابراین سوال اصلی این است که دلایل ناکامی راهبردهای سیاست خارجی آمریکا برای مهار ایران در سوریه چیست؟ مقاله به روش توصیفی-تحلیلی و با اسناد کتابخانه‌ای گردآوری شده است و این فرضیه محک‌آزمون قرار می‌گیرد که علت

شکست آمریکا در مهار ایران در سوریه به عدم شرایط قرار گرفتن ایران در نظام تابع منطقه‌ای بازمی‌گردد. این شرایط شامل عناصری مانند الگوی روابط یا تعاملات بازیگران، عدم دور شدن بازیگران از مجاورت و نزدیکی به میدان بحران، نظام تابع و همچنین نقش ناظران و بازیگران داخلی و خارجی است.

### چارچوب نظری

باری بوزان اگر چه به جای نظام منطقه‌ای از مجموعه امنیتی منطقه‌ای استفاده می‌کند اما تعریف او از نظام منطقه‌ای در کنار تعریف تامپسون، به عنوان معنا و مفهوم نظام منطقه‌ای در این مقاله مورد استفاده قرار می‌گیرد. در این مقاله اولین تعریف بوزان از مجموعه امنیتی منطقه‌ای در نظر گرفته می‌شود که عبارت است از: «گروهی از دولت‌ها که نگرانی‌های اصلی امنیتی آنها تا اندازه‌ای به یکدیگر گره خورده است که امنیت ملی آنها را به صورت منطقی نمی‌توان جدای از یکدیگر مورد توجه قرار داد» (بوزان و ویور؛ قهرمان پور، ۱۳۹۶: ۵۵).

بوزان متغیرهای اصلی مجموعه‌ی امنیتی خود را عبارت می‌داند از؛ مرز، ساختار آنارشیک، قطب و الگوهای دوستی و دشمنی «ساختار آنارشیک: به این معنا که مجموعه امنیتی منطقه‌ای باید از دو یا چند واحد دارای حاکمیت تشکیل شده باشد و بدین خاطر فاقد وجود یک اقتدار منطقه‌ای برتر باشد.

مرز: که مجموعه امنیتی منطقه‌ای را از همسایگانش جدا و متمایز می‌کند.

قطب: که به شکل توزیع قدرت در میان واحدها اشاره دارد.

ساخت اجتماعی تعاملات: که شامل الگوهای دوستی و دشمنی میان واحدهاست و موجب وابستگی متقابل امنیتی میان کشورها می‌شود» (همان، ۱۳۹۶: ۶۴).

الگوهای غالب مدیریت امنیتی در داخل مجموعه‌های امنیتی منطقه‌ای، نظم‌های امنیتی منطقه‌ای نامیده می‌شود (مورگان و دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۵۵). فرض اصلی که در برخی ادبیات موجود در این‌باره وجود دارد این است که وجود قدرت‌های بزرگ

منطقه‌ای، سیاست‌های آنها و تعامل آنها با دیگر دولت‌های منطقه‌ای برای تبیین و فهم نظام منطقه‌ای و همچنین دال کلیدی آن یعنی تولید و بازتولید «نظم منطقه‌ای بسیار مهم هستند (Garzin Pereira, 2014:26). چنانچه اهداف و اقدامات قطب‌های موجود در یک منطقه از یک سو و ابرقدرت و قدرت‌های بزرگ موجود در ساختار نظام بین‌الملل از سوی دیگر در ارتباط با مسئله و مشکله موجود در سطح منطقه هماهنگ و همپوشان باشد و بازیگران را به همکاری با یکدیگر برای حل و فصل مسئله و مشکله وادار نماید، در این صورت الگوی رابطه‌ای در حالت خوش بینانه الگوی همکاری و یا در حالت بدبینانه همکاری رقابتی خواهد بود و یا اینکه در نتیجه تناقض و تضاد اهداف و اقدامات، بازیگران اصلی در سطح منطقه و بین‌الملل نمی‌توانند مسئله و مشکله در سطح منطقه را حل و فصل نمایند بلکه به رقابت و تعارض با یکدیگر در این خصوص می‌پردازند تا بتوانند منافع مدنظر خود را در ارتباط با مسئله و مشکله فراهم آورند. در این صورت الگوی رابطه‌ای در حالت بدبینانه الگوی تعارضی-دشمنی و در حالت خوش بینانه تعارضی رقابتی خواهد بود.

تعاریف مختلفی از نظام منطقه‌ای وجود دارد که همگی محصول ورود نظریه سیستم‌ها به حوزه روابط بین‌الملل است. در تعریف تامپسون، تعاریف و صفات مفهومی مختلف را به صورت چهار شرط لازم و کافی برای وجود نظام‌های تابع منطقه‌ای خلاصه کرده است:

- ۱- الگوی روابط یا تعاملات بازیگران، درجه‌ی خاصی از نظم و نسق را به نمایش می‌گذارد؛ به طوری که تغییر در یک نقطه از نظام تابع بر دیگر نقاط آن تأثیر می‌گذارد؟
- ۲- بازیگران عموماً در مجاورت و نزدیک به یکدیگرند؛
- ۳- ناظران و بازیگران داخلی و خارجی، نظام تابع را به صورت یک ناحیه یا "صحنه عملیات" مجزا می‌شناسند؛
- ۴- نظام تابع، منطقه‌ی متشکل از حداقل دو یا به احتمال قوی تعداد بیشتری از بازیگران می‌باشد. (لیک: دهقانی فیروزآبادی، ۱۳۹۳: ۷۶-۷۵).

این پژوهش با در نظر گرفتن چهار شرط فوق به دنبال بررسی این مسئله خواهد بود که چون ایران در نظام تابع منطقه ای مد نظر سیاست آمریکا قرار نگرفت در نتیجه آمریکا در مهار ایران موفق نبود.

### مدل مفهومی این پژوهش



### بحران سوریه و جایگاه سوریه در سیاست خارجی ایران

با آغاز اعتراضات سال ۲۰۱۱ سوریه نیز در دومینوی اعتراضات کشورهای عربی قرار گرفت با این حال تفاوت سوریه با سایر کشورها در وجود بازیگران متعدد است که این بحران را پیچیده میکنند. ایران و روسیه در جبهه حامیان بشار اسد بودند و کشورهای عربی، آمریکا، ترکیه و اسرائیل در جبهه مخالفان رژیم قرار داشتند. با این حال مسئله حمایت ایران از سوریه به این باز می گردد که ایران و سوریه از همان ابتدای انقلاب اسلامی ایران تا امروز از روابط گرمی برخوردار بوده اند و سوریه به عنوان کلیدی ترین متحد و شریک منطقه ای ایران به حساب می آید. (Fulton, August 15, 2011). اما شروع اعتراضات و بحران داخلی سوریه، زمینه را برای دگرگونی در روابط دو کشور فراهم نمود. روابط دو کشور وارد مرحله ای شد، که در قالب تلاش ایران برای حفظ بشار اسد و ممانعت از کنترل سوریه توسط نیروهای مخالف اسد، قابل صورت بندی است. (Fulton, Holliday and Wyer, 2013) ایران به اسد به عنوان استراتژیک ترین متحد خود در خاورمیانه

می‌نگرد. می‌توان دلایلی چند برای اهمیت سوریه برای ایران و حمایت این کشور از اسد برشمرد:

نخست؛ دولت بعث سوریه به ریاست حافظ اسد جز معدود کشورهایی بود که در طول جنگ تحمیلی هشت ساله در کنار مردم و نظام تازه حیات یافته ایران قرار گرفت. دولت سوریه همزمان با انقلاب ایران از نخستین کشورهایی بود که انقلاب اسلامی ایران را به رسمیت شناخت و لزوم اتحاد با انقلاب اسلامی را برای قوام و قدرت امت اسلامی مطرح ساخت. (داوطلب، ۱۳۹۹: ۲۶).

دوم؛ غرب آسیا یک منطقه ژئواستراتژیک است و سوریه به عنوان یک از کشورهای این منطقه، در معادلات آن دارای نقش مهم و راهبردی می‌باشد. موقعیت سوریه به دلیل همسایگی با اسرائیل، لبنان، عراق و همچنین دسترسی به سواحل دریای مدیترانه، شرایط ویژه و ممتازی را به این کشور بخشیده است. سوریه حلقه اتصال ایران به حزب الله و تامین‌کننده نگاه ایدئولوژیک جمهوری اسلامی ایران به مساله فلسطین است. (Guli, April 12, 2016).

سوم؛ مساله سوریه یکی از حیاتی‌ترین موضوعات در رقابت منطقه‌ای عربستان و ایران است. سوریه کشوری است که ایران خواهان بقای اسد و نیروهای تحت حمایت خود در قدرت است و عربستان نیز در مقابل در تلاش برای حذف اسد و روی کار آوردن سنی‌های تحت حمایت خود است. (Fisher, January 4, 2016).

این نکته بر همه آشکار است که حمایت ایران از بشار، در طول ۷ سال جنگ داخلی این کشور، از نقش حیاتی برای بقای او برخوردار بوده است، حمایتی که هر لحظه بیشتر می‌شود و در قالب منابع مالی و حمایت تسلیحاتی، مشاوره‌ای، تدارک نیروهای شیعی و آموزش آنها خود را نشان می‌دهد. در این میان نباید از اهمیت همکاری ایران و روسیه بر سر سوریه غافل بود. دیپلمات‌ها در دمشق بر این باور هستند که ایران حضور خود در سوریه را تقویت نموده است. (Bozorgmehr, April 16, 2016). در بحرانس سوریه



جمهوری اسلامی که از حامیان اصلی اسد می‌باشد، حمایت‌های نظامی و مستشاری و نیز نیرو برای دفاع از سوریه و دولت وی را برای این کشور فراهم نموده است. اما این تنها بخشی از تحولات سوریه است که در بعد نظامی پیگیری می‌شود و از ضرورت لازم برای ایران نیز برخوردار است. اما، در بعد دیپلماتیک اگرچه ایران در نشست‌های بین‌المللی حضور فعال دارد و نیز در نشست سه جانبه روسی، ترکی و ایران حاضر است، تلاش نماید تا از روند دیپلماتیک سوریه که از کانال سازمان ملل و فرستاده ویژه این سازمان برای سوریه می‌گذرد حمایت نماید، تا پرستیز بین‌المللی کشور را نیز به عنوان نیرویی خواستار حل بحران سوریه نشان دهد (داوطلب، ۱۳۹۹: ۳۱).

### راهبردهای آمریکا برای کاهش نفوذ ایران در سوریه

همانطور که پیش تر بیان شد در این مقاله علت شکست آمریکا در مهار ایران عدم شرایط قرار گرفتن ایران در نظام تابع منطقه ای بود که مولفه های آن عبارتند از الگوی روابط یا تعاملات بازیگران، عدم دور شدن بازیگران مجاورت و نزدیک میدان بحران، ناظران و بازیگران داخلی و خارجی و نظام تابع. در ادامه به هر یک از این موارد پرداخته می‌شود:

#### ۱- تاثیر تشخیص نظام تابع

تشخیص نظام تابع، یا "صحنه عملیات" مجزا، برای ناظران و بازیگران داخلی و خارجی، به این معنا است که آمریکا و متحدانش تشخیص داده‌اند که منطقه‌ای وجود دارد که در آن ایران به عنوان یک بازیگر اصلی در سیاست‌ها و اقدامات خود تاثیرگذار است. این منطقه یا نظام تابع، معمولاً شامل سوریه، عراق، لبنان است. این شناسایی نقش ایران در نظام تابع و تشخیص اهمیت آن برای بازیگران داخلی و خارجی، از جمله آمریکا، بسیار مهم است زیرا ایران با توانمندی‌های خود در منطقه، از جمله پشتیبانی از جبهه‌های مختلف مقاومت در سوریه، حزب‌الله در لبنان، و حکومت عراق، به عنوان یک نیروی تأثیرگذار در سیاست‌های منطقه‌ای مطرح می‌شود. این نقش ایران، تأثیر بسزایی بر مسیر و نتیجه سیاست

خارجی آمریکا و دیگر کشورهای منطقه‌ای دارد، بنابراین شناسایی و درک این نظام تابع، به طور مستقیم بر روی تصمیم‌گیری‌ها و سیاست‌های خارجی آمریکا تأثیر می‌گذارد. به عنوان مثال، آمریکا با در نظر گرفتن نظام تابع مذکور، برای مهار نفوذ ایران در سوریه، سیاست‌های مختلفی را اجرا کرده است، از جمله حمایت از گروه‌های مخالف دولت سوریه، تحریم‌های اقتصادی علیه ایران، و تقویت روابط با کشورهای منطقه‌ایی که مخالفت خود را با تأثیرگذاری ایران در منطقه اعلام کرده‌اند. بنابراین، تشخیص و درک نظام تابع و نقش ایران در آن، برای ناظران و بازیگران داخلی و خارجی، از جمله آمریکا، بسیار اساسی است و در تدوین و اجرای سیاست‌های خارجی و راهبردهای مختلف تأثیرگذار می‌باشد.

در همین راستا ایران هراسی یک پروژه برای تحدید نفوذ ایران به حساب می‌آید؛ به علاوه تحریم علیه ایران از جانب کشورهای غربی به بهانه توقف در پیشرفت برنامه اتمی ایران شکل گرفت. این تحریم‌ها بر روی برنامه اتمی ایران تأثیرگذار نبوده است، بلکه تاثیرات منفی بر روی اقتصاد ایران گذاشته است. این تحریم‌ها در زمینه‌های اقتصادی، علمی، سیاسی و فروش سلاح و مهمات می‌باشد از جمله تأثیرگذارترین این تحریم‌ها می‌توان به تحریم صادرات نفت ایران و بانک مرکزی ایران اشاره کرد که به موجب آن اقتصاد تک محصولی ایران (تفت) و نقش بانک مرکزی ایران در وصول درآمد حاصل از فروش نفت ایران به کشورهای جهان در تنگنا قرار گرفت که با توجه به تحریم هر دو بخش نامبرده، اقتصاد ایران دچار مشکل جدی شده است. تحریم دارو و مواد غذایی در حالی اعمال می‌شود که آمریکا صادرات دخییات به ایران را از لیست تحریم‌ها معاف کرده است و ایران سومین وارد کننده سیگار آمریکایی در. ([Iran-economichouse.com](http://Iran-economichouse.com)).

امری که عملیاتی شدن آن در عرصه رئال پالیتیک سوریه در شرایط کنونی مسکن به نظر نمی‌رسد. در ارتباط، با این امر حتی خروج ترامپ از برجام را می‌توان در ارتباط با مساله نفوذ منطقه‌ای ایران ارزیابی کرد. مشکل ترامپ با ایران مساله سلاح هسته‌ای نیست، بلکه

مشکل اصلی ترامپ و در حقیقت آمریکا با ایران، رفتار منطقه‌ای ایران و به ویژه حمایت از جنبش مقاومت به عنوان چالش نظم هژمونیک آمریکا در خاورمیانه است. (Mossallanejad, 2017: 61). بنابراین مقام‌های دولت آمریکا تحریم‌هایی علیه ایران اعمال کردند که آن‌ها را سخت‌ترین و فلج‌کننده‌ترین تحریم‌ها در طول تاریخ دنیا نامیده‌اند. ایالات متحده سعی می‌کند با تحریم به اختلال در شبکه ارتباط ایران با منطقه دست یابد که به سبب استراتژی‌های اقتصاد مقاومتی ایران ناموفق شد. علاوه بر آن تحریم‌ها نشان داد که محور مقاومت از نظر سطح عملیات و مالی یک بازیگر مستقل نیز است بنابراین این مورد نتوانست موجب تسهیل سقوط بشار اسد یا عقب نشینی محور مقاومت شود.

### مجاورت بازیگران

با هدف مها ایران باید محور مقاومت در مجاورت سوریه یا نفوذ ایران در داخل سوریه کاهش یابد؛ بازیگران اصلی در مجاورت بحران سوریه شامل دولت‌هایی می‌شوند که مرزهای مشترک با سوریه دارند یا در نزدیکی آن قرار دارند که شامل ترکیه، عراق، لبنان، اردن و در نهایت رژیم صهیونیستی می‌باشند. مجاورت این‌ها با سوریه باعث می‌شود که هر گونه تغییرات و حوادث در سوریه بر روی امنیت و منافع آنها تأثیر گذار باشد و آنها را به مداخله در امور داخلی سوریه تحریک کند؛ از این نظر بیش از تمام همسایگان بحران سوریه از یک نظر برای ایالات متحده فرصت مهمی بود چراکه تأمین امنیت و منافع رژیم صهیونیستی، تضعیف جبهه مقاومت با محوریت ایران و سوریه، گستره نفوذ و هژمونی خود در منطقه و جهان، تضعیف ایران به عنوان نماد اسلام سیاسی در منطقه، تلاش برای پیشبرد صلح اعراب و رژیم صهیونیستی از طریق سقوط بشار اسد و در نهایت مقابله بانفوذ روسیه در خاورمیانه را در پیش می‌گرفت (جعفری فر، ۱۴۰۲: ۱۱۲). باید گفت اولویت آمریکا در سیاست‌های منطقه‌ای خود علاوه بر تداوم حمایت‌های سیاسی، مالی و

دیپلماتیک از تل آویو، مشروعیت بخشی و تلاشی برای عادی نشان دادن اسرائیل در تعامل با محیط پیرامونی‌اش است. واشنگتن در مذاکرات برای پیوستن عربستان و دیگر کشورهای عربی خلیج فارس به سازمان تجارت جهانی یکی از شروط عضویت آنها را آمادگی برای برقراری روابط تجاری و بازرگانی با اسرائیل عنوان کرده بود. امضای توافقات آزاد تجاری آمریکا با دیگر کشورهای منطقه منتقدین خاص خود را دارد و تحلیل‌گران اقتصادی سرعت امضای پیمان‌های تجاری بین آمریکا و کشورهای منطقه را ابزاری در دستانتها ابر قدرت جهان می‌دانند که سعی در دیکته کردن سیاست‌های خود بر تمام جهان دارد. (دهقانی، ۱۳۹۵: ۱). بنابراین حفظ منافع اسرائیل از اهمیت راهبردی برای آمریکا در دوران ترامپ بر خوردار است. ترامپ به نسبت باراک اوباما، از هم دلی و نزدیکی خاصی با اسرائیل برخوردار است و در مواضع سیاست خاورمیانه‌ای دولت خود، همواره به منافع این دولت می‌اندیشد. آمریکا در دوران ترامپ از حملات غیرقانونی و ناقض دستورالعمل‌های بین‌المللی این کشور به مواضع نیروهای نزدیک به ایران در سوریه حمایت نموده و حتا خود آمریکا ایران را به اعمال موضوع عملیاتی در سوریه تهدید می‌کند (Ensorm, 2018). لذا بدیهی است با این سطح از پیوند و هم دلی ترامپ و اسرائیل با توجه به بحران سوریه، این کشور به منظور حفظ منافع اسرائیل در بحران سوریه، به مقابله با تهدیدهای ایران علیه اسرائیل اقدام کند. بر همین اساس کمک‌های اطلاعاتی و حمایتی از اقدامات اسرائیل علیه محور مقاومت مورد تأیید قرار می‌گیرد.

به علاوه می‌توان گفت با حضور فعال ایران در سوریه این کشور در منطقه غرب آسیا و فراتر از مرزهای خود دارای نقش برجسته است دولت ترامپ تلاش داشت تا در راستای منافع اسرائیل و نیز به کرسی نشاندن مواضع ضد ایرانی خود که با اعمال تحریم‌های مجدد علیه تهران همراه بوده، در بحران سوریه نیز ایران را وادار به خروج از این کشور نماید. آمریکا از روسیه و اسد می‌خواهد که ایران را از سوریه اخراج نموده تا زمینه برای حل بحران این کشور فراهم شود. (Ibid).

## تلاش آمریکا در تاثیرگذاری بر الگوی روابط بازیگران

### ۱- تلاش برای در هم شکستن محور مقاومت و نفوذ آن در سوریه

آمریکا از طریق تلاش‌های مختلفی از جمله حمایت از گروه‌های مخالف دولت سوریه، تحریم‌ها، فشارهای سیاسی و اقتصادی، و حمایت از متحدان خود در منطقه، سعی در شکستن محور مقاومت در سوریه دارد. این محور مقاومت شامل دولت سوریه، ایران، حزب‌الله لبنان و روسیه می‌باشد که با همکاری و هماهنگی در حمایت از دولت سوریه در برابر گروه‌های مخالف و تروریستی، موفق به حفظ استحکام و پایداری دولت سوریه شده‌اند. آمریکا با تلاش برای در هم شکستن این محور مقاومت، به دنبال ضعیف کردن این کشورها و کاهش نفوذ آنها در منطقه است. از این رو، تدابیری نظیر افزایش فشارهای نظامی و اقتصادی علیه ایران و حزب‌الله، حمایت از گروه‌های مخالف دولت سوریه، و ایجاد تنش‌ها و تضادها بین متحدان محور مقاومت، به دستاوردهای این سیاست مبادرت می‌کند. این اقدامات به هدف افزایش تاثیرگذاری آمریکا در منطقه، ضعیف کردن موقعیت استراتژیک محور مقاومت و کاهش نفوذ آن در سوریه و منطقه به طور کلی، تمایل دارد. اما، در عمل این سیاست‌ها به دلیل وجود متغیرهای مختلف مانند محدودیت‌های سیاسی و نظامی، پاسخ‌های متضاد منطقه‌ای و بین‌المللی، و توانمندی‌های اقتصادی و نظامی کشورهای محور مقاومت، موفقیت آمریکا در این زمینه متاثر است؛ عبدالباری عطوان نویسنده و روزنامه‌نگار مشهور عرب، سردبیر روزنامه رای‌الیوم و نویسنده کتاب «داعش» معتقد است که؛ «اوضاع سوریه به سرعت به نفع محور دمشق، ایران، روسیه و حزب‌الله و در اصل محور مقاومت در حال تغییر است، این محوری است که چیزی برای از دست دادن ندارد و در زمینه مقاومت و مبارزه به طرق مختلف، تجارب زیادی کسب کرده است». از این رو، وی معتقد است که آمریکا در دوران ترامپ تلاش دارد تا با توجه به منافع اسرائیل و نیز کمک این کشور، به در هم شکستن محور مقاومت به رهبری ایران اقدام نماید (Al-Kawthar TV, April 16, 2018).

هدفی که دست‌یابی به آن به معنای کاهش نفوذ ایران در سوریه است. اما، سوریه خود را به انحنای مختلف و امدار محور مقاومت دانسته و نیز به خوبی از ارزش اتکا به این محور و ایران آگاه است و می‌داند ایران کشوری است که در هر صورت در کنار وی خواهد ماند، چنان که در جنگ ۷ سال اخیر سوریه نیز این را اثبات نموده است. اما ترامپ حاضر به پذیرش قدرت‌گیری ایران و محور مقاومت در منطقه نیست، چرا که علاوه بر احساس خطر برای منافع مستقیم آمریکا در خاورمیانه و نیز تهدید اسرائیل از سوی این محور، نگران آینده خاورمیانه در دست تحول و سوریه آتی است. (داوطلب، ۱۳۹۹: ۲۸). با این حال این راهبرد آمریکا نیز شکست خورد چرا که ترامپ بر این باور است که ضرورتی به حضور پر هزینه و نظامی گسترده آمریکا در این منطقه وجود ندارد و حتی در دوران رقابت‌های انتخاباتی چندین نوبت تاکید کرد که خاورمیانه کم‌ترین اهمیت ممکن را برای او دارد. با وجود تاکید ترامپ بر خروج از خاورمیانه و کاهش تعهدات واشنگتن نسبت به متحدان منطقه‌ای خود، «اما واقعیت این است که منافع ملی، اهداف و استراتژی دراز مدت ایالات متحده در خاورمیانه، راهبردی است که همه دولت مردان ایالات متحده، بالاخص از چند دوره گذشته همواره آن را دنبال کرده‌اند و عدم توجه به این منطقه حساس و بحران خیز، به ضرر منافع ایالات متحده و برخلاف امنیت ملی این کشور است و تغییر استراتژی در اهداف این کشور بعید به نظر می‌رسد. (همان: ۱۳).

## ۲- تلاش برای کشاندن اروپا به بستر سه جانبه ترکی، روسی و ایرانی

به طور کلی با روی کار آمدن ترامپ در آمریکا، نگاه آمریکا با اروپا به عنوان یک دوست و هم پیمان بی‌چون و چرا زیر سوال رفته و از منظر رویکرد اقتصادی ترامپ جهت کاهش هزینه‌های آمریکا، این کشور تلاش دارد تا به دگرگونی در پیمان‌های ایالات متحده و اروپا دست بزند. از همین رو مساله تقبل هزینه‌های امنیتی ناتو از سوی اروپا، دگرگونی در پیمان‌های اقتصادی آمریکا و اروپا، و نیز خروج آمریکا از پیمان برجام و

فشار به اروپا برای تحریم ایران از سوی ترامپ به اروپا تحمیل می‌شود. از دل این وضعیت نارضایتی اروپایی‌ها و تلاش آنها برای ایجاد ساز و کارهای نوین که زمینه‌ساز کاهش وابستگی به آمریکا باشد، در حال ظهور است. در این راستا، اروپا به واسطه‌ی مساله برجام خواهان حمایت از ایران است و همین باعث شده تا این اتحادیه به مقابله با اقدامات آمریکا اقدام نماید.

در راستای همین وضعیت می‌توان اروپا را به عنوان یک نیروی در حال ظهور و منقد آمریکا به میان حلقه کشورهای خواهان حل بحران سوریه وارد نمود. از همین رو، بستر سه جانبه ای که ایران، روسیه و ترکیه شکل داده اند، انعطاف لازم برای حضور قدرت‌ها و نهادها فرمانطقه‌ای، چون سازمان ملل، اتحادیه اروپا و نیز کشورهای این اتحادیه به شکل واحد را داراست. لذا جمهوری اسلامی در همیاری با روسیه و ترکیه می‌تواند با ایجاد زمینه‌هایی که بتواند باعث همراهی اتحادیه اروپا در وضعیت کنونی که نگران از افراط‌گرایی ترامپی است، این اتحادیه را نیز به داخل بازی امنیتی خاورمیانه و سوریه کشانده و علاوه بر انزوای بیشتر آمریکا، زمینه را برای بدل شدن راهکار سه‌جانبه و سه کشوری حل بحران سوریه به یک راهکار چهار جانبه و فراگیر بین‌المللی قوی فراهم نماید. (همان: ۳۰). ایالات متحده آمریکا در دوران ترامپ، توجه ویژه‌ای به سوریه داشته و این کشور را در زمره مسائل خاورمیانه‌ای دکترین سیاست خارجی خود نسبت به این منطقه قرار داده است. در دوره ریاست جمهوری ترامپ، تلاش‌هایی برای افزایش فشار بر دولت اسد و حامیان اصلی او یعنی روسیه و ایران صورت گرفت تا آن‌ها را به خروج از سوریه وادار سازد. همچنین، ترامپ کوشید ترکیه را در وضعیتی دوگانه نگه دارد تا همچنان به عنوان یک متحد استراتژیک غرب عمل کند. با این حال، رویکرد ترامپ نسبت به بحران سوریه، با رویکرد حل و فصل بحران توسط کشورهای نظیر ایران، روسیه و ترکیه هم‌خوانی نداشت و با شکست همراه شد. این اختلاف نظر به ویژه پس از آن برجسته شد که در ۲۴ ژانویه ۲۰۱۷، نشست‌هایی میان ترکیه، روسیه و ایران در چارچوب مذاکرات

آستانه برگزار شد. این مذاکرات به عنوان ابتکاری نوین برای حمایت و نظارت بر آتش‌بس در سوریه، نشان دهنده تلاش این کشورها برای یافتن راه‌حلی مستقل از مواضع آمریکا بود (همان، ۱۳۹۹: ۲۹).

### نزدیکی به مخالفان

آمریکا در دوران ترامپ تلاش دارد تا از این متحدان قابل اعتماد و اتکا، این بار در سوریه استفاده نماید که می‌تواند باعث به خطر افتادن منافع ایران در سوریه شود؛ لذا آمریکا می‌خواست کردها را قربانی منافع ملی خود در سوریه نماید. با این حال این استراتژی شکست خورد چراکه با عمیق شدن بحران سوریه در آگست ۲۰۱۶، و تهدید ترکیه به مداخله در سوریه علیه پیش روی‌های کردها، به نظر بسیاری ترکیه و ایران خود را در وضعیتی دیدند که اختلافات در پرونده سوریه و سرنوشت بشار اسد را کنار بگذرند تا بتوانند در هماهنگی های امنیتی و سیاسی خود علیه کردها موفق شوند. ( [Irdiplomacy.ir](http://Irdiplomacy.ir), 22 August 2016: 1962419) به علاوه جمهوری اسلامی ایران با نزدیکی به کردهای سوریه و بهره‌گیری از اشتراکات فرهنگی با آنها، می‌تواند زمینه را برای کاهش نفوذ آمریکا در سوریه فراهم کرد و در کنار این، بخش مهمی از نیروهای اصلی حاضر در تحولات سوریه را نیز به خود نزدیک کرد. آمریکا به دنبال حمایت از گروه‌های مخالف دولت سوریه بود و در ابتدا به نظر می‌رسید که همین مسیر را در قبال داعش نیز پیش گیرد، اما تحلیل‌ها و پیش‌بینی‌های اولیه از سال ۲۰۱۷ به بعد به طور کامل محقق نشدند. در میدان جنگ، با گذشت زمان، دولت اسد توانست کنترل خود را بر بیش از ۹۰ درصد از خاک سوریه بازیابی کند و به این ترتیب، نفوذ و حضور مخالفان و گروه‌های تروریستی در مناطق مختلف کاهش یافت. این روند نشان دهنده افزایش قدرت و استحکام موقعیت دولت اسد در عرصه داخلی و بین‌المللی بود. در نتیجه ترکیه با نزدیکی به ایران و روسیه و در نشست‌های سه جانبه تلاش کردند تا وضعیت ثبات را در سوریه فراهم کنند.



## حضور حداقل دو بازیگر عمده نظام

یکی از استراتژی‌های آمریکا در طول تاریخ، حمایت ظاهری از روندهای دیپلماتیک تحت زعامت سازمان ملل در حوزه‌های موضوعی مختلف و القای آن به جامعه بین‌المللی است. آمریکا همواره اقدامات خود را بهره‌گیری از سازمان ملل مشروعیت بخشیده است و این اقدام در مورد بحران سوریه نیز تا حدودی به چشم می‌خورد. لذا این سیاست در دوران ترامپ به عنوان حربه ای علیه کشورهایی که اقتدار سازمان ملل را قبول نداشته باشند، به کار رفته است. (داوطلب، ۱۳۹۹: ۳۱). به عنوان مثال، در مساله حملات شیمیایی سوریه، ترامپ از رژیم‌های بین‌المللی و نیز سازمان ملل برای توجیه حمله به پایگاه‌های نیروهای وابسته به اسد استفاده کرد با این حال سد بزرگ آمریکا در سازمان ملل و توها بود.

همان‌طور که در سال ۲۰۱۷ نتانیاهو در دیدار با پوتین گفت که اگر خواهان گسترش جنگ در سوریه نیستید ایران و حزب‌الله باید سوریه را ترک کنند و مقامات آمریکا نیز بارها این مورد را مطرح کردند با این حال فشار آمریکا و اسرائیل بر روسیه تا اندازه زیادی ناکام ماند؛ سیاست روسیه ضمن مقاومت با این‌گونه خواسته‌ها تلاش برای ایجاد یک تعادل برای راضی نگه‌داشتن طرف مقابل نیز بوده است؛ نیکلای پاتروشف، مشاور امنیت ملی روسیه، علناً اعلام کرد که مسکو عجله‌ای برای از بین بردن اتحاد خود با ایران در سوریه ندارد، زیرا شاهد بوده است که دو کشور عملیات هوایی و زمینی را برای تأمین امنیت رژیم وحشی بشار اسد هماهنگ می‌کنند. پاتروشف در این کنفرانس گفت: «ایران متحد و شریک ما بوده و خواهد بود و مدتی است که به تدریج در حال توسعه روابط با آنچه به صورت دوجانبه و چه چندجانبه بوده‌ایم». هرگونه تلاشی برای اینکه تهران را تهدید اصلی امنیت جهانی جلوه دهد و آن را در سبد مشابه داعش یا هر گروه تروریستی دیگری قرار دهد، غیرقابل قبول است. ایران کمک زیادی به مبارزه با تروریسم در سوریه کرده و به ثبات اوضاع کمک کرده است. به نظر می‌رسد موضع علنی مسکو حاکی از آن

است که به نظر بسیاری از کارشناسان غربی او نیز نمی‌تواند برای بیرون راندن ایرانی‌ها و نیروهای نیابتی آن‌ها از سوریه اقدام کند. حضور ایران همچنان برای تثبیت رژیم اسد موردنیاز است و ایرانی‌ها هنوز نقشی راهبردی در پروژه بلندمدت روسیه در سوریه دارند (جعفری فرب، ۱۶:۱۴۰۲).

روسیه به‌عنوان یکی از اعضای دائم شورای امنیت، ضمن حمایت قاطع از نظام حاکم سوریه و جلوگیری از تصویب قطعنامه‌های ضد سوری در شورای امنیت و تداوم کمک‌های نظامی-تسلیحاتی به این کشور، سعی نمود سیاست تقابل با اهداف و منافع غرب را دنبال نماید.

### جدول وتوی قطعنامه‌های روسیه علیه سوریه

وضعیت	تاریخ	توضیحات
وتو	۴ اکتبر ۲۰۱۱	پیش‌نویس قطعنامه‌ی تحریمی علیه سوریه که با همکاری آمریکا، فرانسه، بریتانیا، آلمان و پرتغال تهیه شده بود. هند، آفریقای جنوبی، برزیل و لبنان چهار عضو غیر دائم شورای امنیت به این قطعنامه رأی ممتنع دادند. ۹ عضو دیگر شورای امنیت به این قطعنامه رأی مثبت دادند. با این حال، دو رأی مخالف روسیه و چین، مانع از تصویب آن شد.
وتو	۸ فوریه ۲۰۱۲	روسیه و چین به قطعنامه‌ی شورای امنیت درباره سوریه‌ی رأی مخالف دادند و آن را وتو کردند. در مقابل رأی مخالف روسیه و چین، بقیه‌ی اعضای شورای امنیت یعنی سه عضو دائم و تمامی ۱۰ عضو دائم به قطعنامه‌ی پیشنهادی درباره سوریه، رأی مثبت دادند. این قطعنامه خواستار اجرایی شدن طرح اتحادیه‌ی عرب برای حل بحران سوریه بود. این طرح از بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه می‌خواست اختیارات ریاست جمهوری را به معاونش واگذار کند. همچنین مقرر می‌داشت که در مدت دو ماه کابینه‌ی وحدت ملی تشکیل شود تا این کابینه، برای تشکیل مجلس مؤسسان جهت تدوین قانون اساسی جدید، انتخابات برگزار کردند

<p>نمایندگان روسیه و چین در شورای امنیت سازمان ملل، قطعنامه‌ی جدید پیشنهادی غرب در محکومیت دولت سوریه را وتو کردند. طبق قطعنامه‌ی پیشنهادی، در صورتی که حکومت سوریه واحدهای رزمی و ادوات سنگین نظامی را از مناطق مسکونی خارج نمی‌کرد، با اعمال تحریم‌های بین‌المللی گسترده مجازات می‌شد. اسناد قطعنامه به فصل هفتم منشور سازمان ملل متحد، علت اصلی مخالفت روسیه و چین با آن عنوان شده بود. این قطعنامه در صورت تصویب، به شورای امنیت اجازه‌ی دخالت نظامی در سوریه می‌داد. در مقابل، روسیه به سه قطعنامه دیگر در خصوص بحران سوریه رأی مثبت داده است و حتی یکی را به‌تنهایی و دیگری را به همراه ایالات متحده خود پیشنهاد داد</p>	<p>۱۹ ژوئیه ۲۰۱۲</p>	<p>وتو</p>
<p>قطعنامه شورای امنیت سازمان ملل متحد پس از ماه‌ها مذاکرات و اختلاف نظرها بین اعضای دائم آن، بالاخره در ۱۴ آوریل ۲۰۱۲، قطعنامه‌ی ۲۰۴۲ را در خصوص اوضاع سوریه تصویب کرد که بر اساس آن بایستی ناظران بین‌المللی هر چه زودتر به این کشور اعزام شوند تا بر آتش‌بس میان نیروهای دولتی و گروه‌های مسلح در سوریه نظارت کنند. قطعنامه‌ی ۲۰۴۲ اولین قطعنامه‌ی شورای امنیت در مورد سوریه است. پیش از آن، دو بار تلاش‌های شورای امنیت برای تصویب قطعنامه در مورد سوریه با وتوی چین و روسیه مواجه شده بود. با توجه به متن قطعنامه‌ی ۲۰۴۲ و مقایسه‌ی آن با پیش‌نویس قطعنامه‌هایی که وتو شد، می‌توان گفت که در این قطعنامه تلاش شده که تا حدی نظر روسیه نیز ملحوظ شود</p>	<p>۱۴ آوریل ۲۰۱۲</p>	<p>قطعنامه ۲۰۴۲</p>

( جعفری فر الف، ۲۰۱۴: ۱۵ )

## جمع بندی

در دهه‌های اخیر، منطقه خاورمیانه به عنوان یکی از مناطق حساس جهانی، شاهد تعداد زیادی از تغییرات و بحران‌های سیاسی و امنیتی بوده است. یکی از مسائل بحران‌زا در این منطقه، بحران سوریه و حضور ایران در آن است. در دیدگاه مقامات کاخ سفید، اخراج، تضعیف و تحریم‌ها قرار بودند که نفوذ ایران را کاهش دهند و حمایت از دولت بشار اسد در سوریه را کاهش دهند. اما این رویکرد موفقیت‌آمیز نبود و ایران همچنان توانست نفوذ خود را در سوریه حفظ کند و حتی تقویت کند. هدف اصلی آمریکا از مهار نفوذ ایران در سوریه دو بعد داشت. اولاً، آمریکا تمایل داشت نفوذ ایران در منطقه را کاهش دهد؛ زیرا نفوذ ایران در بحران سوریه، به چالش امنیت منطقه‌ای انجامیده و منجر به تضعیف روابط منطقه‌ای شده بود. دوماً، آمریکا امیدوار بود با سقوط حکومت بشار اسد، فرآیندی را آغاز کند که به تحولاتی مطلوب در سوریه منجر شود و در نهایت، با کنترل بیشتر بر وضعیت کشور، توانایی ایران را در این منطقه محدود کند. اما همه این تلاش‌ها به موفقیت نرسیدند و ایران همچنان توانست نفوذ و حضور خود را در سوریه تقویت کند. در این مقاله، تلاش‌ها و راهبردهای سیاست خارجی آمریکا برای مهار حضور ایران در سوریه بررسی می‌شود و دلایل ناکامی آنها مورد تحلیل قرار می‌گیرد.

با توجه به تحلیل انجام شده، مشخص می‌شود که عدم موفقیت راهبردهای سیاست خارجی آمریکا برای مهار حضور ایران در سوریه ناشی از عدم تطابق با الگوهای نظام منطقه‌ای و مجموعه امنیتی منطقه‌ای است. برای رسیدن به اهداف خود، آمریکا نیاز دارد تا راهبردهای خود را با شرایط و واقعیت‌های منطقه‌ای به خوبی هماهنگ کند و بازیگران داخلی و خارجی را در فرایند تدوین و اجرای راهبردها درگیر کند. این یافته‌ها نشان می‌دهند که شکست راهبردهای آمریکا در مهار ایران در سوریه به چهار عامل اصلی برمی‌گردد. اولاً، الگوی تعاملاتی که در آن بازیگران مختلف، از جمله ایران، آمریکا، و سایر کشورهای منطقه‌ای، به طور پیچیده‌ای با یکدیگر همکاری یا رقابت داشته‌اند. دوماً، شکست در

مدیریت اخراج ایران از سوریه که نشان از ناکامی آمریکا در تحقق اهدافش در سوریه به ویژه در ارتباط با کاهش نفوذ ایران دارد. سوماً، تأثیر نظام تابع که از طریق آن تغییرات در یک نقطه از نظام منطقه‌ای منجر به تحولاتی در سایر نقاط آن می‌شود. و چهارماً، نقش قدرت بزرگ روسیه که با حضور و فعالیت‌هایش در منطقه، به تثبیت حکومت اسد و افزایش نفوذ ایران کمک کرده است. این عوامل به همراه یکدیگر، نشان‌دهنده اهمیت و پیچیدگی مسائل منطقه‌ای در موفقیت یا شکست راهبردهای سیاست خارجی آمریکا در مهار ایران در سوریه می‌باشند.

## منابع

- بوزان، باری، (۱۳۹۶)، خاورمیانه: ساختاری همواره کشمکش‌زا، ترجمه احمد صادقی، فصلنامه سیاست خارجی، سال شانزدهم، شماره ۳
- جعفری فر، احسان (۱۴۰۲ الف)، سیاست خارجی روسیه در بحران سوریه از منظر قدرت هوشمند (۲۰۲۳-۲۰۱۱)، رساله دکتری دانشگاه آزاد تهران مرکزی، استاد راهنما: حبیب اله ابوالحسن شیرازی
- جعفری فر، احسان (۱۴۰۲ ب)، بررسی راهبرد مونتوم رژییم صهیونیستی، فصلنامه جهان اسلام، سل بیست و چهارم، شماره سوم (پیاپی ۹۵)، صص ۲۳-۱
- داوطلب، محمدرضا (۱۳۹۹)، سیاست خارجی دونالد ترامپ نسبت به بحران سوریه و تهدیدات و فرصت‌های آن برای جمهوری اسلامی ایران، سال شانزدهم، شماره اول، بهار
- دهقانی فیروزآبادی، سید جلال، (۱۳۹۴)، سیاست خارجی جمهوری اسلامی ایران، تهران، سمت

Ayoob, Mohammad (201۶), "Beyond the Democratic Ware:

a Turko- Persian

Fulton, Will, Holliday, Joseph and Wyer, Sam (2013), Iranian Strategy in Syria, Institute for the Study of War (Washington, D.C.), American Enterprise Institute for Public Policy Research.

Mossallanejed, A .2017. Trumps Middle East policy making and the Future of security ." Geopolitics Quarterly, volume. 12, No. 4 ,

Guli, Mohammad (April 12, 2016), Why Iran is in Syria?

From: <http://jamerooz.ir>

Bozorgmehr, Najmeh (APRIL 16, 2016). Iran deploys army to bolster support for Syrian president. The Financial Times.

Available at: <https://www.ft.com/content/1e8910d4-0194-11e6-99cb-83242733f755>

Al-Kawthar TV (April 16, 2018), Atwan: The situation in Syria is changing rapidly in benefit of the resistance axis.

From: <http://fa.alkawthartv.com/news/132716>

Ensor, Josie (22 AUGUST 2018), Trump's security adviser tells Russia: Iran out of Syria or no deal. Available at:

<https://www.Telegraph.co.uk/news/2018/08/22/turkey-could-end-crisis-instantly-hands-us-past-or-says-trump>.